



درحالی که خالص افزایش جمعیت ۴ استان طی ۱۵ سال اخیر فقط ۶ تا ۷ درصد بوده، این مقدار برای برخی استان‌ها ۳۰ تا ۴۰ درصد است

۴ استان در لیست قرمز مهاجرت



مهدی عبداللهی

دبیر گروه اقتصاد

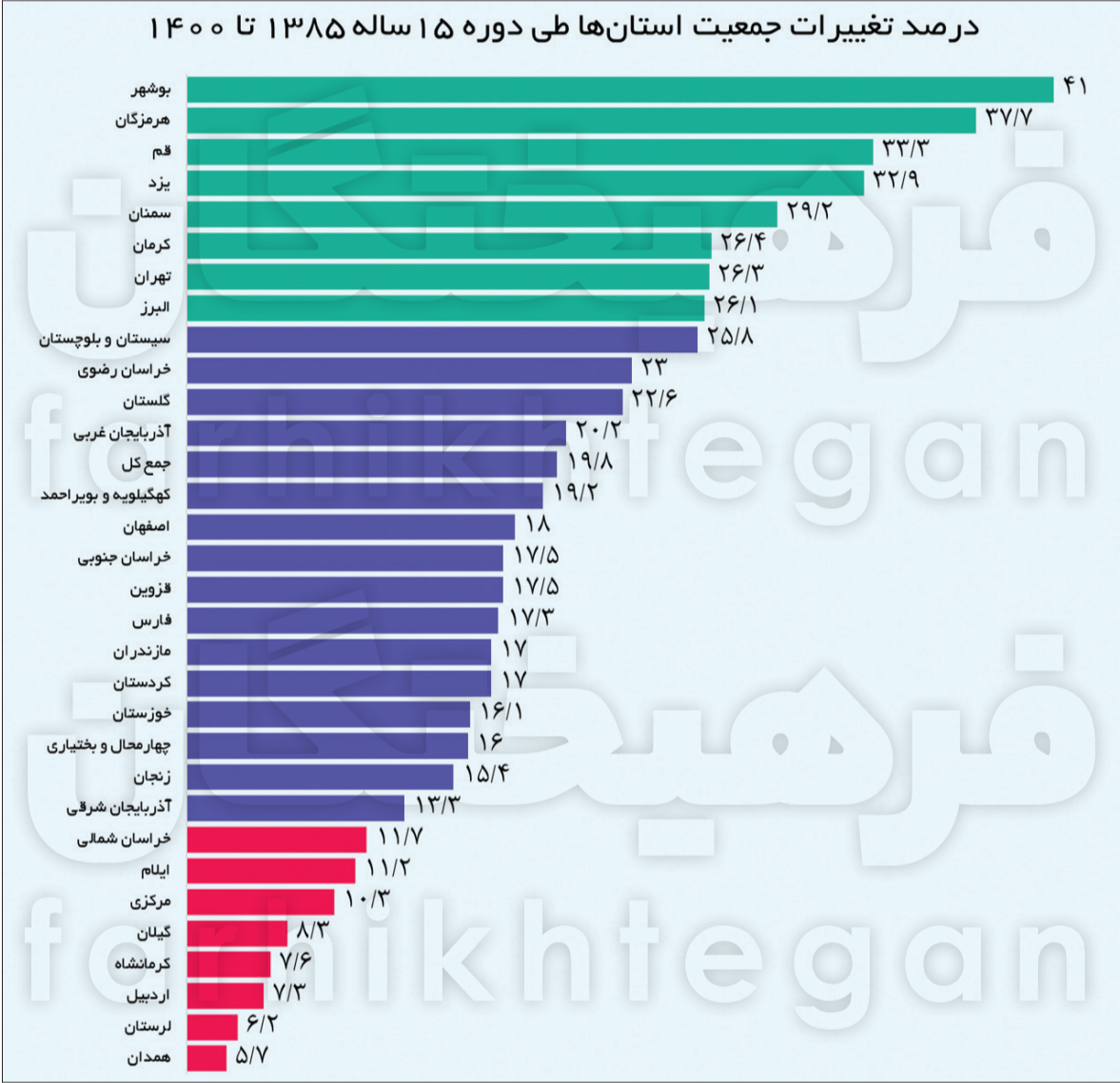
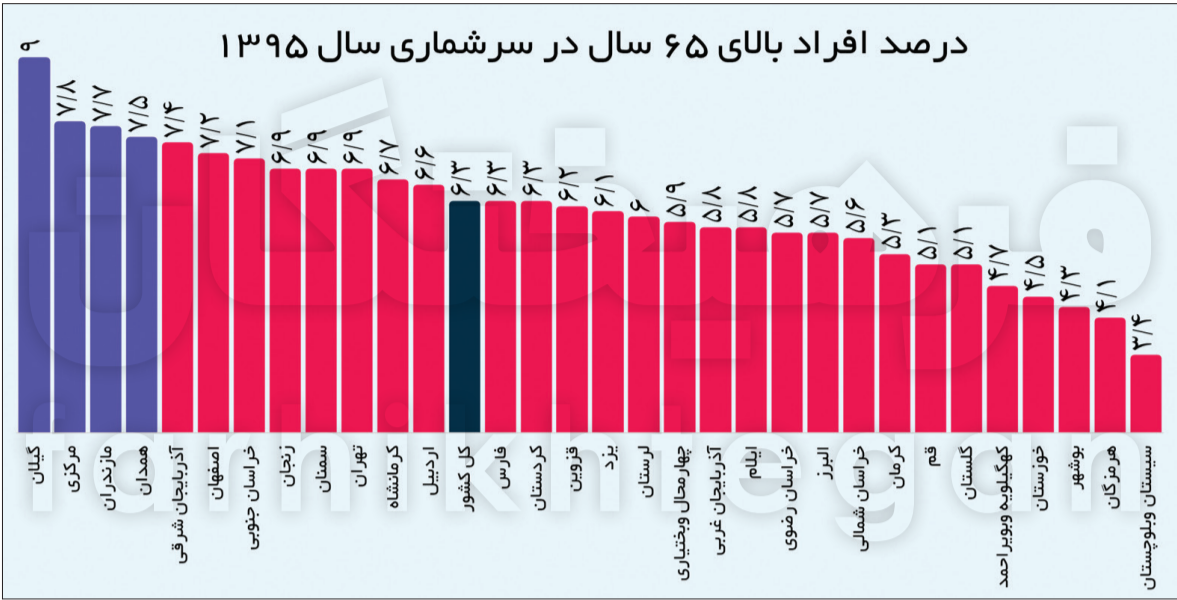
مهاجرت یکی از سه‌عامل اصلی تغییرات جمعیتی است که به‌ویژه در سال‌های اخیر با کاهش نسبی میزان مولید و مرگ و میر نقش مهمی را در تغییر نرخ رشد و حجم جمعیت مناطق داخلی برعهده دارد. مهاجرت اگر با ایجاد زیرساخت‌های کافی در مناطق مهاجرپذیر همراه نباشد، علاوه بر ایجاد عدم تعادل و توازن جمعیتی منجر به ایجاد مسائل ومشکلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی همانند آلودگی هوا،افزایش تراکم جمعیت، افزایش بیکاری ومشاغل کاذب، توسعه سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای، افزایش معضلات وآسیب‌های اجتماعی وغیره در مناطق مهاجرپذیر می‌شود واز سویی دیگر در مناطق مهاجرفرست نیز منجر به افزایش میانگین سنی جمعیت،از دست دادن نیروی کار، افزایش نسبت سالمندی، بلااستفاده ماندن زیرساخت‌های ایجادشده همچون مدارس ومراکز رفاهی،خالی ازسکنه شدن برخی روستاها و مواردی از این دست می‌شود. در این خصوص، آمارها نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ درحالی جمعیت استان‌های همدان، لرستان، اردبیل، کرمانشاه، گیلان، مرکزی و ایلام فقط بین ۶ تا ۱۲ درصد افزایش یافته که این میزان در برخی از استان‌ها بین ۳۰ تا ۴۰ درصد بوده است. پژوهشگران معتقدند ادامه روند مهاجرت طی چنددهه منجر به شدت گرفتن بیشتر توزیع نابرابر جمعیت در کشور شده و حل مساله بی‌تعدالی در نظام توزیع جمعیتی در سطح ملی و منطقه‌ای که در واقع منشأ بسیاری از مشکلات اجتماعی، اقتصادی وفرهنگی است، به یک برنامه جامع نظام استان جمعیت نیاز دارد. عنصر وعامل کلیدی در اجرای برنامه استان جمعیت ایجاد تعادل و توازن بین قابلیت‌ها و پتانسیل‌های طبیعی و اقتصادی منطقه‌ای و ظرفیت‌های جمعیتی است. به‌اعتقاد کارشناسان عدم توجه به نظام ومکانیسم‌های مهاجرت‌های داخلی و قابلیت جذب و دفع جمعیت مناطق، سبب خنثی شدن و هدررفت سرمایه‌گذاری‌های بخش دولتی و خصوصی می‌شود. همچنین اگر روند فعلی ادامه‌یابد توزیع فضایی جمعیت وفعالیت به‌شدت نامتعادل تر شده و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی بسیاری را به دنبال خواهد داشت. به علاوه منابع پایه توسعه در معرض تخریب و نابودی قرار گرفته و نسل آینده از منابع ملی محروم خواهد بود. بنابراین لازم است سیاست‌های تثبیت جمعیت و توزیع متناسب استان جمعیت در سطح فضای ملی با جدیت دنبال شود. ۱. انجام سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در مناطق محروم متناسب بازیست‌بوم وآمایش سرزمین ۲. افزایش فرصت‌های اشتغال در استان‌های محروم، ۳. تمرکززدایی و کاهش نابرابری‌های اقتصادی واجتماعی بین مناطق و ۴. توجه به ظرفیت‌های زیست‌محیطی مناطق ازجمله برنامه‌های پیشنهادی پژوهشگران است که باید با جدیت دنبال شود.

استان‌های محروم در صف مهاجرت

با توجه به تاثیرپذیری مهاجرت از جمعیت در معرض، یکی از بهترین و در عین حال مهم‌ترین شاخص‌های مهاجرتی برای مقایسه بین مکانی وبررسی توزیع فضایی آن، میزان «خالص مهاجرت» است. این شاخص که تاثیر مهاجرت بر تغییرات جمعیت یک منطقه را نشان می‌دهد تا نفاضل تعداد افرادی است که به‌عنوان مهاجر وارد یک منطقه شده‌اند، از تعداد افرادی است که به‌عنوان مهاجر، محل زندگی خود را به مناطق دیگری تغییر داده‌اند. به‌دست می‌آید. چنانچه این دو باهم برابر باشد میزان خالص مهاجرت برابر با صفر خواهد بود؛ چنانچه تعداد مهاجران وارد شده بیشتر از خارج شده باشد، شاخص مزبور مثبت خواهد بود که مهاجرپذیری منطقه را نشان می‌دهد و در صورت شرایط عکس، یعنی بیشتر بودن مهاجران خارج شده از وارد شده، شاخص مذکور عددی منفی را نشان داده که مهاجر فرستی منطقه را نشان می‌دهد. بررسی میزان خالص مهاجرت استان‌های کشور طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ نشان می‌دهد در این دوره استان‌های کرمانشاه، همدان، اردبیل، کردستان، لرستان، آذربایجان شرقی، سیستان وبلوچستان خراسان شمالی دارای بالاترین سطح منفی میزان خالص مهاجرت هستند. در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ آمارها حاکی از آن است که در این دوره استان‌های لرستان، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری، سیستان وبلوچستان، خوزستان، اردبیل، همدان، کردستان و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب بالاترین میزان خالص مهاجرت منفی را داشته‌اند. در آخرین دوره سرشماری رسمی یعنی ۱۳۹۵-۱۳۹۰، تعداد کل مهاجران جابه‌جا شده در کشور افزایش پیدا کرد و به بیش از دو میلیون نفر رسیده است. بررسی تعداد مهاجران وارد شده و خارج شده از استان‌های کشور نیز نشان از افزایش شدت مهاجرت دارد. در این دوره، بالاترین خالص مهاجرت منفی مربوط به استان‌های لرستان، چهارمحال و بختیاری، ایلام، همدان، کرمانشاه، خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان و اردبیل بوده است.

جذاب‌ترین استان‌ها

در کنار استان‌های مهاجرفرست، لیست استان‌های مهاجرپذیر نیز بسیار قابل تامل است. بررسی آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد طی دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ دو استان تهران و یزد با فاصله قابل توجهی از سایر استان‌ها دارای بیشترین میزان خالص مهاجرت هستند. پس از این دو، استان‌های قم، بوشهر، گلستان، اصفهان و سمنان دارای خالص مهاجرت مثبت بالاتر از سایر استان‌ها هستند. نکته قابل تأمل در مقایسه استانی، توزیع فضایی آنها در کشور است. در این دوره عمده استان‌های مهاجرفرست کشور در حاشیه و نوارهای مرزی کشور قرار داشته و استان‌های مهاجرپذیر در مرکز کشور قرار دارند. از سویی دقت در این استان‌ها نشان می‌دهد استان‌های مهاجرپذیر کشور، استان‌هایی هستند که به لحاظ توسعه یافتگی در سطوح بالاتری قرار دارند که با توجه به علت اصلی مهاجرت در کشور یعنی عامل اشتغال، کاملاً همخوانی و هماهنگی دارد. در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ استان‌های البرز، سمنان، بوشهر، یزد، خراسان جنوبی، گیلان، اصفهان و مازندران بیشترین خالص مهاجرت مثبت را تجربه کرده‌اند. در آخرین دوره سرشماری رسمی یعنی ۱۳۹۵-۱۳۹۰ نیز الگوی مهاجرت در کشور تغییر چندانی نداشته و همچنان بالاترین شاخص خالص مهاجرت مثبت مربوط به استان‌های سمنان، البرز، یزد، قم، تهران، بوشهر و هرمزگان است. در مجموع بررسی آمارها حکایت از آن دارد بیشترین مهاجرت خالص طی دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ به سمت استان‌های تهران، البرز و مرکز ایران بوده که در این مدت، بیشترین سرمایه گذاری برای بارگذاری صنایع، استخراج معادن و بیشترین سرمایه گذاری در حوزه‌های مختلفا اجتماعی وفرهنگی در آنها صورت گرفته است. همچنین استان‌های بوشهر و هرمزگان به‌واسطه افزایش قابل توجه سرمایه‌گذاری‌های مربوط به نفت و گاز و پتروشیمی‌ها و در مجموع سرمایه‌گذاری‌های نفت پایه، جذب جمعیت بوده‌اند. در مجموع مبدأ و مقصد مهاجرت‌ها نشان می‌دهد هنوز دافعه مناطق مهاجرفرست و جاذبه مناطق مهاجرپذیر به قوت خود باقی است و همچنان خروج جمعیت از مناطق محروم به سمت مناطق توسعه یافته‌تر ادامه دارد، البته با توم بالای چند سال اخیر به‌ویژه در بخش مسکن، شاید از شدت مهاجرت به سمت کلانشهرها کاسته شده باشد



سهم مهاجران مربوط به سنین ۱۵ تا ۳۴ سال با سهم ۳۵ درصدی از کل جمعیت مهاجران بوده است. در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ و ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ نیز بررسی‌ها حکایت از آن دارد که در این دوره‌ها سهم بالایی از مهاجران مربوط به سنین ۱۵ تا ۳۵ سال یعنی افراد در سن کار و تحصیل بوده است. از سوی دیگر، مقایسه جنسی مهاجرت در دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد در این دوره سهم زنان گرچه همواره کمتر از مردان بوده اما سهم آنان طی دوره ۱۵ ساله افزایشی بوده است. این موضوع با افزایش سهم زنان از دانشجویان تحصیلات تکمیلی که بسیاری از آنها پس از تحصیل به شهر خود برنمی‌گردند، قابل توضیح است. طبق آمارهای مرکز آمار ایران طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ حدود ۵۳٫۲ درصد از مهاجران مردان و ۴۶٫۲ درصد نیز زنان بوده‌اند. در دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ سهم مردان از مهاجران ۵۵٫۶ و سهم زنان ۴۴٫۳ درصد بوده است. در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ سهم مردم از مهاجرت ۵۳٫۷ و زنان ۴۷٫۵ درصد بوده است. اما در آخرین سرشماری این دوره نیز نشان از افزایش مهاجرت‌های زنان و رسیدن به سطح ۴۸٫۴ درصد در مقابل ۵۱٫۶ درصدی سهم مردان از مهاجران است. در یک جمع‌بندی، بالاترین درصد مهاجران در سن ۱۵ تا ۳۴ سال قرار دارند. بخشی از اینها دانشجویان هستند که بعضاً پس از اتمام تحصیلات به شهر و روستای خود برنمی‌گردند و بخش دیگری از مهاجران (بخش عمده) کارگران ماهر و غیرماهری هستند که به دنبال یافتن شغل مهاجرت کرده‌اند. همچنین سهم مردان از مهاجران در همه دوره‌ها (۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵) بیشتر از زنان بوده است. این دو ویژگی مهاجرت باعث کاهش جمعیت در سن کار در مناطق مهاجرفرست و افزایش افراد متقاضی کار در مناطق مهاجرپذیر می‌شود که اگر بالاتر از ظرفیت مهاجرپذیری در مقصد باشد منجر به شکل‌گیری مشاغل غیررسمی و اقتصاد زیرزمینی، مناطق حاشیه‌نشین و سکونتگاه‌های غیررسمی، آسیب‌های اجتماعی، افزایش بار ترافیکی ومعضلات دیگری در این مناطق می‌شود.

قرار بزرگ جوانان به سمت شهرهای بزرگ

مهاجران نمونه تصادفی از جمعیت نیستند و ویژگی‌های فردی آنها در سطح جمعی می‌تواند منجر به تغییراتی در ترکیب جمعیت مبدأ و مقصد شود. از جمله ویژگی‌های ترکیب جمعیت که می‌تواند در اثر جریان مهاجرت داخلی تغییر کند ساختار سنی است. به عبارتی تغییر ساختار سنی در اثر مهاجرت می‌تواند تبعات اقتصادی واجتماعی مختلفی برای هر منطقه داشته باشد. افزایش جمعیت جوان می‌تواند در صورت وجود زیرساخت‌های لازم نیروی انسانی برای افزایش سطح توسعه یافتگی مناطق مهاجرپذیر فراهم کرده‌ودر مقابل، منجر به کاهش نیروی انسانی جوان مناطق مهاجرفرست شده و منابع توسعه یافتگی بیشتر این مناطق شود. بررسی‌ها حکایت از آن است که دامنه سنی مهاجران عمدتاً بین ۲۰ تا ۴۰ سالگی است. همچنین مردان بیشتر از زنان مهاجرت می‌کنند و مهاجرت زنان نیز عمدتاً به صورت تبعیت از همسران شان بوده است. اما بررسی ساختار سنی- جنسی مهاجران داخلی طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۶۵ نشان می‌دهد در این دوره بیشترین مهاجرت مربوط به سنین ۱۵ تا ۳۵ سال بوده است. در دوره ۱۳۸۵-۱۳۷۵ نیز بالاترین

^[1] در حالی که خالص افزایش جمعیت ۴ استان طی ۱۵ سال اخیر فقط ۶ تا ۷ درصد بوده، این مقدار برای برخی استان‌ها ۳۰ تا ۴۰ درصد است